

دوره نهم

عاشوران:

پسداران حیا، عفاف و حجاب



دائرة تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم
روابط عمومی

السلام علیکم وعلیٰ آله وعلیٰ انبیاء

عاشوراییان: پاسداران حیا، عفاف و حجاب

اشاره

خدای متعال می فرماید: «يَا أَيُّهَا النَّبِيُّ قُلْ لِّأَزْوَاجِكَ وَبَنَاتِكَ وَنِسَاءِ الْمُؤْمِنِينَ يُدْنِينَ عَلَيْهِنَّ مِنْ جَلَابِيبِهِنَّ؛ ای پیامبر، به همسرانت و دخترانت و همسران کسانی که مؤمن هستند، بگو چادرهایشان را بر خود فرو پوشند [تا بدن و آرایش و زیورهایشان در برابر دید نامحرمان قرار نگیرد].»

و بحرانی این قیام همواره مورد توجه عاشوراییان بوده است. ایمان اصلاً بدون حیا و عفاف معنا ندارد؛ چنان که امام صادق علیه السلام فرمود: «لَا إِيمَانَ لِمَنْ لَا حَيَاءَ لَهُ؛ ایمان ندارد کسی که حیا ندارد». عاشوراییان که در اوج ایمان قرار دارند، به یقین در داشتن و محافظت از این فضائل اخلاقی نمونه اند. به طور کلی می توان گفت انقلاب عاشورا، مقابله حیا با بی حیایی و عفاف با بی عفتی و در یک کلام مقابله فضایل با رذایل است.

با توجه به دلایل عقلی و نقلی حجاب و عفاف در اسلام بود که حضرت سیدالشهدا علیه السلام و یاران غیرتمند ایشان در جریان حماسه عاشورا، همواره نگران حجاب و عفاف و حیای بانوان و دختران بودند؛ همچنین یکی از مهم ترین درس های عاشورا برای نسل امروز همین است.

افزون بر آیات متعدد مبنی بر لزوم حیا و حجاب، روایات فراوانی هم در وجوب حجاب زنان وجود دارد که نشان دهنده اهمیت و جایگاه حجاب است.

در این نوشتار به مواردی از اهتمام و نگرانی های عاشوراییان به موضوع حیا و عفاف و حجاب پرداخته می شود.

«حجاب» همان پوشش ویژه و «عفاف» خصلتی فراتر از حجاب است؛ درحقیقت «عفاف» حالتی درونی است که انسان را از گناه و حرام باز می دارد و آثار آن در گفتار و کردار انسان مانند حجاب نمایان می شود؛ ولی عفاف کفایت از حجاب نمی کند. امیرالمؤمنین علیه السلام فرمود: «العِفَّةُ رَأْسُ كُلِّ خَيْرٍ؛ عَفَّتْ سِرْچشمه همه خوبی هاست». از دیدگاه امیرمؤمنان علیه السلام، عفاف ثمره و ویژگی حیا است: «ثَمَرَةُ الْحَيَاءِ الْعِفَّةُ؛ میوه و ویژگی حیا، عفاف است.»

پوشش حداکثری بانوان عاشورایی

حجاب و پوشش حداکثری بانوان در کربلا و مراقبت امام حسین علیه السلام و یارانش برای حفظ حریم بانوان اهل بیت علیهم السلام، بهترین الگوی حفظ حجاب برای عاشقان سیدالشهدا علیه السلام است.

عاشوراییان مدافعان حیا و عفاف

سیره زنان اهل بیت علیهم السلام بر این بود که با وجود حضور

موضوع حیا و عفاف و حجاب در حماسه عاشورا بسیار برجسته است؛ به طوری که این مهم در مراحل حساس

السَّلامُ عَلَیْكُمْ أَهْلَ الْبیتِ الطَّیِّبِاتِ الطَّاهِرَاتِ

شیخ صدوق کیفیت پوشش بانوان حرم را هنگام ورود به شام از زبان همراهان قافله چنین توصیف می‌کند: «فَلَمَّا دَخَلْنَا دِمَشْقَ أُدْخِلَ بِالنِّسَاءِ وَ السَّبَايَا بِالنَّهَارِ مُكَشَّفَاتِ الْوُجُوهِ؛ چون به شام رسیدیم، روز روشن زنان و اسیران را صورت‌های باز وارد کردند».

منظور تعرض به حجاب حداکثری (چادر روئین و نقاب) و باز شدن چهره‌های آن گرامیان در مقابل نامحرمان بوده است که در گذشته اتفاق نیفتاده بود.

در ادامه به گزارش‌هایی درباره نگرانی عاشوراییان از تعرض دشمن به حجاب و عفاف و حیای بانوان اهل بیت علیهم‌السلام می‌پردازیم.

۱. آغاز حرکت کاروان حیا و عفاف
شبی از شب‌های ماه رجب سال ۶۰ قمری کاروان امام حسین علیه‌السلام با شکوه و جلال از مدینه به سوی مکه حرکت می‌کرد؛ درحالی‌که دو بانوی «حیا» و عفت را جوانان بنی‌هاشم و در رأس همه سید جوانان اهل بهشت احاطه کرده بودند. راوی می‌گوید: چهل محمل را دیدم که با پارچه‌های حریر [ابریشم] و دیباج زینت شده بودند.

در این وقت امام حسین علیه‌السلام دستور داد بنی‌هاشم زن‌های محرم خود را سوار بر محمل‌ها نمایند. سپس در این حال من نظاره می‌کردم که ناگهان جوانی از منزل

در صحنه‌های مهم سیاسی و اجتماعی، خود را در معرض دید نامحرم قرار نمی‌دادند و از پوشش حداکثری استفاده می‌کردند؛ تا جایی که حتی چهره‌های ایشان را نامحرم نمی‌دید. آنچه در کربلا واقع شد، به یقین موجب معلوم شدن صورت بعضی از خانم‌ها برداشته شدن و نقاب و روبنده ایشان شد. کشف وجه گرچه حرمت شرعی ندارد، همین کشیدن روبند و معلوم شدن چهره، هتک حرمت زنان اهل بیت علیهم‌السلام به شمار می‌آید.

حضرت زینب کبری علیها‌السلام و دیگر زنان و دختران اهل حرم امام حسین علیه‌السلام، تأکید بر رعایت حجاب حداکثری داشتند تا جایی که چهره‌های ایشان را تا آن موقع نامحرم ندیده بود.

سید بن طاووس می‌نویسد: ابن سعد، بقیه روز عاشورا و تا ظهر روز بعد را توقّف کرد و: «حَمَلَ نِسَاءَهُ علیها‌السلام عَلَیْ أَخْلَاسِ أَقْتَابِ الْجَمَالِ بَغَيْرِ وِطَاءٍ مُكَشَّفَاتِ الْوُجُوهِ بَيْنَ الْأَعْدَاءِ - وَ هُنَّ وَدَائِعُ خَيْرِ الْأَنْبِيَاءِ؛ سپس با بازماندگان خانواده حسین علیه‌السلام حرکت نمود و همسران امام علیه‌السلام را بر پارچه‌ای روی تخته و بر کوهان شتران بی‌جهاز و بی‌پوشش نشانند و با صورت‌های باز میان دشمنان حرکت داد؛ درحالی‌که آنان امانت بهترین پیامبران بودند».

خورشید روی قلّه نی آشکار شد

کوچک‌ترین ستاره سر شیرخوار شد

ناموس حق به ناقه عریان سوار شد

هشتاد و چهار خسته به هم، هم‌قطار شد

السَّلامُ عَلَیْكُمْ كَمَا أَهْلَكْنَا لِنُبْؤِ

من. فرمود: اسبم را بیاور. اسب آقا را حاضر کرد. آن گاه حضرت بر آن سوار شد و بدین سان کاروان حیا، عفت و متانت و نجابت مدینه را ترک گفت.

۲. نگرانی جناب قاسم علیه السلام

محدث قمی نقل می کند قاسم بن الحسن - یادگار حضرت مجتبی علیه السلام - هنگامی که در شب عاشورا شنید عمویش امام حسین علیه السلام به اصحابش بشارت می دهد فردا تمامی آنها شهید خواهند شد، از امام علیه السلام سوال کرد: «عمو جان، آیا من هم در ردیف شهدا خواهم بود؟»

امام فرمود: «یا بنی، کیف الموت عندك؛ پسر مرگ را چگونه می بینی؟» نوجوان خوش سیما با تمام خلوص و صفا پاسخ داد: «احلی من العسل؛ مرگ در راه حق از عسل شیرین تر است.»

قاسم پرسش خود را تکرار کرد: «آیا من هم در ردیف شهدای کربلا خواهم بود؟» امام علیه السلام پاسخ داد: «عمویت فدای تو باد، بلی به خدا قسم تو را هم در ردیف یارانم خواهند کشت، حتی کودک شیرخواره ام عبدالله را نیز به شهادت می رسانند.»

فرزند غیرتمند امام مجتبی علیه السلام با شنیدن این سخن به سوی عمویش دوید و پرسید: «یا عم و یصلون إلی النساء حتی یقتل عبدالله و هو رضیع؟» عمو جان، آیا آنها به خیمه گاه می رسند و بعد از تسلط به خیمه ها و بانوان،

امام حسین علیه السلام بیرون آمد، در حالی که قامت بلندی داشت و بر گونه او علامتی بود و صورتش مانند ماه می درخشید و می فرمود: «تنحو یا بنی هاشم: بنی هاشم کنار روید» و آن گاه دوزن از خانه حسین علیه السلام خارج شدند؛ در حالی که دامانشان بر اثر حیای از مردم به زمین کشیده می شد و دور آن دورا خادمانشان احاطه نموده بودند.

سپس آن جوان به سوی یکی از محمل ها پیش رفت و زانوی خود را تکیه داد و بازوی آنها را گرفت و بر محمل سوار کرد. من از بعضی پرسیدم آن دو بانو کیستند؟ جواب دادند: یکی از آنها زینب علیه السلام و دیگری ام کلثوم دختران امیرالمؤمنین علیه السلام هستند.

سپس گفتم: این جوان کیست؟ گفته شد: او قمر بنی هاشم، عباس فرزند امیرالمؤمنین علیه السلام است. سپس دو دختر صغیر را دیدم که گویا امثال آنها آفریده نشده است.

سپس یکی را همراه زینب و دیگری را همراه ام کلثوم سوار نمودند. سپس از (اسم) آن دو دختر پرسیدم. گفته شد: یکی سکینه و دیگر فاطمه، دختران امام حسین علیه السلام می باشند.

آن گاه بقیه بانوان به همین جلالت و عظمت و حیا و متانت سوار شدند و حسین علیه السلام ندا داد: «این اخی، این کبش کتیبتی این قمر بنی هاشم: کجاست عباس قمر بنی هاشم؟» عباس عرض کرد: لبیک، لبیک، ای آقای

السَّلامُ عَلَیْكُمْ أَهْلَ الْبَيْتِ الطَّيِّبِ الطَّاهِرِ

عبداللہ را می‌کشند؟» آن‌گاہ امام علیہ السلام کیفیت شہادت طفل شیرخوارہ را برای قاسم شرح داد.

۴. شایعہ حملہ بہ خیمہ‌ها و برگشت امام علیہ السلام از فرات نہایت اہتمام حضرت سیدالشہداء علیہ السلام برای حفظ و پاسداشت منزلت بانوان را می‌توان در این گزارش مشاہدہ کرد: «امام بعد از شہادت تمام یاران، برای تجدید قوا بہ سوی رود فرات تاخت و خود را بہ آب رساند. ہمین کہ خواست جرعه‌ای آب بنوشد، شخصی از لشکر عمر سعد فریاد زد: «ای اباعبداللہ، با نوشیدن آب لذت می‌بری، حال آنکہ بہ حرم تو تعرض می‌شود».

امام بی‌درنگ و حتی بی‌آنکہ آب بنوشد، آبی را کہ در دست گرفتہ بود، بر زمین ریخت و باشتاب بہ سوی خیمہ‌ها آمد و دید بہ خیمہ‌ها تعرضی نشدہ است.

یعنی دشمن با سوءاستفادہ از غیرت امام علیہ السلام و بایک شایعہ و خبر دروغ حضرت را از نوشیدن آب باز داشتہ است؛ با اینکہ امام حسین علیہ السلام با چہ تلاشی بہ آب رسیدہ بود.

۵. اگر دین ندارید، آزادہ باشید امام حسین علیہ السلام در آخرین لحظات عمر کہ دیگر طاقت حرکت نداشت تا متوجہ شد ناموسش در معرض چشمان نامحرمان قرار می‌گیرد، خود را بہ زحمت روی زمین بہ سمت خیمہ‌گاہ کشید و جملہ معروفش را فرمود: «إِنَّ لَمْ

۳. آیا یآوری برای دفاع از ناموس رسول اللہ وجود دارد؟ زمانی کہ یاران ہمہ شہید شدند، امام حسین علیہ السلام یکہ و تنہا در میدان حاضر شد و یاران باوفایش را صدا زد: «ای مسلم بن عقیل، ای ہانی بن عروہ، ای حبیب بن مظاہر، ای زہیر بن قین، ... ای مسلم بن عوسجہ، ... ای علی بن الحسین، ای دلورمردان خالص، و ای سواران میدان نبرد، چہ شدہ است کہ شما را صدا می‌زنم، ولی پاسخم را نمی‌دهید؟ و شما را می‌خوانم، ولی دیگر سخنم را نمی‌شنوید؟ آیا بہ خواب رفتہ اید کہ بہ بیداری تان امیدوار باشم؟ یا از محبت امامتان دست کشیدہ اید کہ او را یاری نمی‌کنید؟ این بانوان از خاندان پیامبرند کہ از فقدان تان ناتوان شدہ‌اند.

از خوابتان برخیزید، ای بزرگواران و از حرم رسول خدا صلی اللہ علیہ وسلم در برابر طغیانگران پست دفاع کنید».

امامی کہ ہرگز تن بہ ذلت نداد، در آخرین لحظات برای دفاع از عفاف حرم و ناموس خدا فرمود: «هَلْ مِنْ رَاحِمٍ يَرْحَمُ آلَ الرَّسُولِ الْمُخْتَارِ، هَلْ مِنْ نَاصِرٍ يَنْصُرُ الدَّرِيَّةَ الْأَطْهَارِ، هَلْ مِنْ مَجِيرٍ لِأَبْنَاءِ الْبَتُولِ، هَلْ مِنْ ذَابٍ يَذُبُّ عَنِ حَرَمِ الرَّسُولِ؛ آیا رحم‌کنندہ‌ای ہست کہ بہ خاندان پیامبر صلی اللہ علیہ وسلم ترحم کند؟ آیا یاری‌کنندہ‌ای ہست کہ فرزندان پیامبر صلی اللہ علیہ وسلم را یاری دہد؟ آیا کسی ہست کہ

السَّلامُ عَلَیْكُمْ يَا أَهْلَ الْبَيْتِ

زمانی که بانوان اهل حرم به بالای سر امام حسین علیه السلام در گودی قتلگاه آمدند، امام علیه السلام فرمود: «برگردید تا مبادا دشمن صدای گریه شما را بشنوند و نامحرم شما را ببیند».

امام حسین علیه السلام خطاب به اهل حرم فرمود: «أَنْظُرْنَ إِذَا أَنَا قَتِلْتُ فَلَا تَشَقِقَنَّ عَلَيَّ جَبِيًّا وَلَا تَحْمِشَنَّ عَلَيَّ وَجْهًا؛ مراقب باشید که وقتی من کشته شدم، گریبان خود را چاک مدهید و صورت خویش را مخراشید».

۷. درخواست ملزومات حجاب

اهمیت عفاف و حجاب برای اهل بیت علیهم السلام چنان اهمیت داشت که بعد از غارت خیام از عمرسعد فقط لوازم حجاب را درخواستند: «وَسَأَلْتُهُ النَّسْوَةَ لِيَسْتَرْجِعَ مَا أَخَذَ مِنْهُنَّ لِيَتَسَتَّرْنَ بِهِ...؛ پس از روز عاشورا و اسارت زنان خاندان پیامبر صلی الله علیه و آله، آنان از عمرسعد خواستند تا آنچه از ایشان گرفته شده است، بازگردانده شود تا خود را با آن بپوشانند»؛ اما این خواسته اثری نداشت. ابن سعد با اسیران حرکت کرد... و هنگامی که به کوفه نزدیک شدند، اهالی آنجا برای تماشای آنان آمدند.

زنی از کوفیان بر بالای بام آمد و پرسید: «مِنْ أَى الْأَسَارَى أَنْتُنَّ؟؛ شما از کدام اسیران هستید؟» گفتند: «نَحْنُ أَسَارَى آلِ مُحَمَّدٍ؛ ما اسیران خاندان محمدیم».

آن زن از بام پایین آمد و چادر و پیراهن و مقنعه جمع کرد و به آنان داد تا خود را بپوشانند. آری، زنان عاشورایی

يَكُنْ لَكُمْ دِينٌ وَ كُنْتُمْ لَا تَخَافُونَ الْمَعَادَ فَكُونُوا أَحْرَارًا فِي دُنْيَاكُمْ؛ اگر دین ندارید و از قیامت نمی ترسید، دست کم در دنیای خود آزاده باشید؛ یعنی دست کم تا من زنده هستم، به طرف خیمه بانوان نروید.

مفهوم سخن امام علیه السلام آن است که به من چند ضربه، شمشیر و تیر بیشتر بزنید؛ ولی به سمت خیمه بانوان نروید.

بعد حضرت فرمود: «این منم که با شما می جنگم و شما هم با من مبارزه می کنید. زنان را گناهی نیست، پس متجاوزان و ستمگران و جاهلان خود را تا زمانی که زنده ام، از خیمه گاه من باز دارید».

۶. خواهرم، مراقب نامحرمان باشید

وقتی حضرت زینب علیه السلام دید که حضرت اباعبدالله با تنی پر از زخم در گودال قتلگاه افتاده است، به میدان دوید؛ زمانی که امام حسین علیه السلام زیر خنجر مشاهده کرد خواهرش زینب علیه السلام در آنجا حضور دارد و در برابر چشمان نامحرمان قرار گرفته است، حضرت علیه السلام با شدت زخم و عطشانی که دارد درحالی که عزیزانش را از دست داده است، در آن لحظه از حجاب حرم خود غافل نشد و خطاب به حضرت زینب علیه السلام فرمود: «یا اختاه، ارجعی الی الفسطة؛ خواهرم برگرد به خیمه ها»؛ چون نخواست زینب علیه السلام جلوی چشم نامحرمان و میان نامحرمان باشد.

السلام علیکم وعلیٰ آله وعلیٰ صحبه وعلیٰ تبعه

اهل بیت علیهم السلام وی مبلغ کلانی را پرداخت تا با تغییر در کاروان، نگاه نامحرمان از بانوان اهل بیت علیهم السلام دور شود.

سهل بن سعد ساعدی وقتی اسیران را شناخت که از دودمان پیامبرند، جلو رفت و از یکی از آنان پرسید: تو کیستی؟ گفت: سکینه، دختر امام حسین علیه السلام.

پرسید: آیا کاری و حاجتی داری که من برایتان انجام دهم؛ من سهل ساعدی، صحابی جدت رسول خدایم. سکینه فرمود: «یا سعد قل لصاحب هذا الرأس أن يقدم الرأس أمامنا حتى يشغل الناس بالنظر إليه ولا ينظروا إلى حرم رسول الله صلى الله عليه وآله؛ به نیزه داری که این سر را می برد، بگو جلوتر از ما حرکت کند تا مردم به نگاه کردن آن مشغول شوند و به حرم رسول الله صلى الله عليه وآله چشم ندوزند». سهل به سرعت رفت و چهارصد دینار طلا به نیزه دار داد و او هم سر مطهر را از زنان دور برد.

۱۰. گزارش های دیگر

با مروری به تاریخ کربلا و متن مقاتل و منابع، غیرت مردان عاشورایی و اصرار بانوان حرم برای حجاب در مقابل نامحرمان در جای جای گزارش های کربلایی به روشنی دیده می شود که برخی از آنها عبارت اند از: الف) دفاع بانویی غیور از ناموس آل الله در غارت خیام؛

ب) زیورآلات فدای حیا و عفت؛

ج) نگرانی دختر امام حسین علیه السلام از حجاب هنگام غارت خیام؛

برای حفظ کرامت و شخصیت خود پوشش را بر همه چیز مقدم داشتند.

۸. نهیب ام کلثوم به نامحرمان

پاسدار عفت و پاکی منم

با حیا در چادر خاکی منم

من حیا را مرز داری کرده ام

بانوان را جمله یاری کرده ام

ام کلثوم دختر امیرالمؤمنین علیه السلام که زنی با فصاحت و بلیغ و سخنور بود و در مدت اسارت پیوسته با سخنانش ستم حگام را افشا می کرد، وقتی کاروان اسرار را به کوفه وارد کردند، در جمع انبوه حاضران به سخن پرداخت و آنان را به دلیل سستی و کوتاهی در یاری امام حسین علیه السلام نکوهش کرد.

در بدو ورود به کوفه، مردم به تماشای آنان گرد آمده بودند. ام کلثوم بر سر آنان فریاد کشید: «یا أهل الكوفة، أما تستحيون من الله ورسوله أن تنظروا إلى حرم النبي؛ ای مردم کوفه، آیا از خدا و رسول حیا نمی کنید از اینکه به حرم و دودمان پیامبر نگاه می کنید؟».

۹. هزینه مادی برای حفظ حجاب

حجاب و عفاف چنان مهم بود که در گزارشی از ورود اسرای کربلا به شام آمده است بنا به تقاضای حضرت سکینه خاتون دختر امام حسین علیه السلام از یکی از اصحاب

السُّلَامُ عَلَيَّ كَمَا أَهْلُ الْبَيْتِ لِنَبِيِّ

حسين عليه السلام، قم: معهد تحقیقات باقر العلوم عليه السلام، [بی تا].
۹. مجلسی، محمدباقر، بحار الأنوار، ج دوم، بیروت: دار
إحياء التراث العربی، ۱۴۰۳ ق.

د) دستور امام سجاد عليه السلام به بانوان حرم در کربلا؛
ه) تنها درخواست بانوان در عصر عاشورا؛
و) مقاومت برای حجاب در غارت خیام؛
ز) عفاف زینب در مجلس ابن زیاد.

**حجت الاسلام والمسلمین عبدالکریم پاک‌نیا (استاد سطح
عالی حوزه علمیه قم و مبلغ نخبه دفتر تبلیغات اسلامی) -
مجله ره توشه محرم - شماره هجدهم**

کتاب‌نامه

۱. ابن بابویه، محمد بن علی، أمالی، قم: نشر بعثت.
۲. ابن شهر آشوب، محمد بن علی، مناقب آل أبي طالب، قم: المكتبة الحيدرية، ۱۴۳۲ ق.
۳. ابن نما حلی، جعفر بن ابی ابراهیم، مثير الأحزان، قم: نشر مدرسة الإمام المهدي عليه السلام.
۴. بخاری، محمد بن اسماعیل، صحيح البخاری، تحقیق: محمد زهیر بن ناصر الناصر، بیروت: دار طوق النجاة، ۱۴۲۲ ق.
۵. خوانساری، آقا جمال، شرح غرر الحکم و دُرر الکلم، تهران: نشر دانشگاه، ۱۳۶۶ ش.
۶. سید بن طاووس، علی بن موسی، الملهوف علی قتلی الطّفوف، المحقق: الشیخ فارس تبریزیان، تهران: دار الاسوه، ۱۴۱۷ ق.
۷. کلینی، محمد بن یعقوب، الکافی، ج اول، قم: دار الحدیث، ۱۴۲۹ ق.
۸. گروهی از نویسندگان، موسوعة کلمات الامام

وَالْحَمْدُ لِلَّهِ
وَالصَّلَاةُ وَالسَّلَامُ
عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ
الطَّيِّبِينَ الطَّاهِرِينَ

السَّلَامُ عَلَيْكُمْ كَمَا يَا أَبْنَاءَ الزَّيْنَبِ

وَالْحَمْدُ لِلَّهِ
وَالصَّلَاةُ وَالسَّلَامُ
عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ
الطَّيِّبِينَ الطَّاهِرِينَ

وَالْحَمْدُ لِلَّهِ
وَالصَّلَاةُ وَالسَّلَامُ
عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ
الطَّيِّبِينَ الطَّاهِرِينَ